



## Investigation of a posterity's Moqfeh from the Safavid period

Marzyeh Mortazavi ghasabsaraei\*

### Abstract

The Safavid era is one of the eras in which Waqf expanded a lot; Especially since the Safavid family and, as a result, statesmen and elders of religion and government, were among the pioneers of this path. Meanwhile, we should not ignore the role of women in participating and undertaking the act of Waqf. Although a large part of women's Moqfat in this period are public Moqfat such as the construction of schools, mosques, etc.; in some cases, Waqf have been made for posterity, which are referred to as Moqfat for posterity. The history of posterity's Moqfat shows that important families used to Waqf their assets and properties to their children in order to preserve and benefit the family. An example of this manuscript is the Waqf-Nameh of Fatima Nisa Khanum from the year 1709 AH and during the reign of Shah Sultan Hossein Safavi wich During that time, Waqif has dedicated all his real estate in Abarkoh Sirjan to his two sons and one daughter. It is noteworthy that in 1899, this Waqf-Nameh was copied and re-approved by the elders of Abarkoh.

**Keywords:** Waqf, Posterity's Moqfeh, Safavid period, Fatima Nisa Khanum, Abarkoh.

---

\*. PhD in Iranian History in the Islamic Period  
Mortazavi.qh@gmail.com

## دراسة وقف عائلي من العصر الصفوي

مرضيه مرتضوى قصاب سرايي\*

يعد العصر الصفوي من العصور التي انتشرت فيها الأوقاف على نطاق واسع، و خاصة الأسرة الصفوية، و كان رجال الدولة و كبار الدين و حكومتهم من السباقين على هذا الطريق. في الوقت نفسه، لا ينبغي لنا أن نتجاهل دور المرأة في المشاركة و القيام بعمل الوقف. رغم أن جزءاً كبيراً من أوقاف المرأة في هذه الفترة هي أوقاف منافع عامة كبناء المدارس و المساجد و غيرها، و في بعض الحالات تم وقفها أيضاً للابناء، و كانت تسمى بأوقاف الابناء. يبين تاريخ أوقاف الابناء أن عائلات مهمة كانت توقف أصولها و ممتلكاتها لأبنائها من أجل الحفاظ على الأسرة و إفادتها. مثال على هذا النوع تم التعرف عليه من مسودة وقف السيدة فاطمة النساء المؤرخ في عام ١١٢١ هـ في عهد الشاه سلطان حسين الصفوي، حيث خصصت جميع عقاراتها في أبركوه سيرجان لابنيها و ابنتها. من الجدير بالذكر أنه في عام ١٣١٧ هـ. تمت الموافقة على مسودة خطاب الإهداء هذا و تم تاييده مجدداً من قبل كبار رجال أبركوه.

كلمات مفتاحية: الوقف، وقف الابناء، العصر الصفوي، فاطمة النساء خانم، أبركوه



## بررسی یک موقوفه اولادی از دوره صفویه



مقاله ترویجی      مرضیه مرتضوی قصاب‌سرایي\*

دوران صفوی از دوران‌هایی است که در آن وقف گسترش بسیار یافت به‌ویژه که خاندان صفوی و به تبع آن، دولت‌مردان و بزرگان دین و دولت خود از پیش‌گامان این راه بودند. در این میان نباید از نقش زنان در مشارکت و مبادرت به عمل وقف غافل بود. گرچه بخش زیادی از موقوفات زنان در این دوره را موقوفات عام‌المنفعه چون احداث مدرسه، مسجد و ... تشکیل می‌دهد و در مواردی وقف بر اولاد نیز صورت گرفته است که از آن با عنوان موقوفات اولادی یاد می‌شود. پیشینه موقوفات اولادی نشان می‌دهد که خاندان‌های مهم در جهت حفظ دارایی‌ها و بهره‌مندی خانواده، تمام مایملک خود اعم از اموال منقول و غیرمنقول را وقف بر اولاد خود می‌نمودند. یک نمونه از این دست، سواد وقف‌نامه فاطمه نساء خانم مربوط به سال ۱۱۲۱ ق.، دوره حکومت شاه سلطان حسین صفوی، است که طی آن واقفه تمام املاک و مستغلات خود در ابرکوه سیرجان را بر دو پسر و یک دخترش وقف کرده است. نکته قابل توجه این که در سال ۱۳۱۷ ق. این وقف‌نامه سوادبرداری و مجدد به تأیید بزرگان ابرکوه رسیده است.

واژگان کلیدی: وقف، موقوفه اولادی، دوره صفویه، فاطمه نساء خانم، ابرکوه

\* دکترای تاریخ ایران در دوره اسلامی  
Mortazavi.qh@gmail.com

## مقدمه

وقف در دوره‌های مختلف تاریخ ایران با فراز و نشیب‌های بسیار همراه بوده است. عموماً اوضاع نابسامان اجتماعی، فقدان ثبات و امنیت اقتصادی، دولت‌مردان را بر آن می‌داشت تا اموال خود را از گزند حوادث گوناگون وقف نمایند، چرا که بنا بر سنت مرسوم، کمتر کسی متعزّض موقوفه‌ها می‌شد.

غالباً این‌گونه موقوفات از نوع خاص و بیشتر وقف بر اولاد واقف بود. البته گاه در اوج ثبات سیاسی و اجتماعی نیز شاهد گسترش امر وقف در جامعه هستیم که در این حالت این امر بیشتر برای کسب اعتبار، بر جای گذاردن نام نیک و کسب ثواب اخروی اقدام به وقف اموال صورت می‌پذیرفت.

دوران صفوی یکی از دوران‌هایی است که در آن وقف گسترش بسیار یافت، به‌ویژه که خاندان صفوی و به تبع آن، دولت‌مردان و بزرگان دین و دولت خود از پیش‌گامان این راه بودند. در این دوره مساجد، مدارس، بیمارستان‌ها و کاروان‌سراهای بسیاری ساخته و برای هر یک موقوفات بسیاری قرار داده شد. با توجه به رواج وقف، طبیعی است که بانوان نیز در این امر مشارکت کنند، چرا که امر خیر زن و مرد نمی‌شناسد. فراوانی وقف‌نامه‌های برجای‌مانده از بانوان این دوره علاوه بر آن که توجه آنان را به مشارکت در امور خیر نشان می‌دهد، گویای آن است که از لحاظ اقتصادی دارای آزادی عمل کافی بوده‌اند و به‌طور کلی در جامعه، مالکیت بانوان بر اموال خویش امری پذیرفته شده بود. آنان می‌توانستند قسمتی از اموال منقول یا غیر منقول خود یا تمامی آن را بنا بر میل و سلیقه شخصی خویش به مصرف رسانند. بیشتر این واقفان از خاندان سلطنتی و یا از خاندان‌های بزرگ آن روزگار بودند. مانند فاطمه نساء خانم از بانوان خاندان بزرگ ابرکوهی سیرجان که میراث بجای مانده از همسرش را بر اولاد خود وقف کرد که به آن موقوفات اولادی گفته می‌شود.

موقوفات اولادی یکی از انواع موقوفات خاص است که کمتر به آن پرداخته شده است. واقفان با وقف اموال و املاک خود بر فرزندان ضمن آینده‌نگری برای تأمین نیازهای خانواده، از هدر رفتن مال و اموال و املاک خود و بروز اختلاف میان اولادشان جلوگیری می‌کردند. به عبارت دیگر موقوفات اولادی اهمیت زیادی در تأمین حداقلی نیازهای مالی خاندان، حفظ هویت تاریخی و زنده نگهداشتن ارتباطات خانوادگی دارد. از این همین رو



می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌های موقوفات اولادی را حفظ اصل مال؛ پیوستگی خانوادگی و خاندانی؛ حفظ آداب و رسوم خانوادگی؛ انسجام بخشی سیاسی و اجتماعی؛ انسجام بخشی مذهبی و فرهنگی؛ تأکید بر عدم دخالت نهادهای حکومتی در وقف دانست. (زبرجدی و دیگران، ۱۴۰۲: ۴۵). مورد اخیر یکی از مزایای مهم این نوع وقف است که در آن با تفویض اختیار پذیرش وقف به اولاد و سلب اختیار از دخالت نهادهای حکومتی به نوعی ضمن حفظ اصل مال واقف، زمینه ساز استقلال مالی اولاد و بقای آنان نیز می‌گردیده است. (زبرجدی و دیگران، ۱۴۰۲: ۴۶)

موقوفه اولادی فاطمه النسا خانم یکی از نمونه موقوفات اولادی مربوط به منطقه ابرکوه (پاریز) کرمان است که سابقه آن به دوره صفویه می‌رسد.<sup>۱</sup> فاطمه النسا خانم دختر خواجه عبدالرحیم براکوه سیرجانی و همسر محمدهاشم براکوه سیرجانی در سال ۱۱۲۱ ق. تصمیم گرفت تا دارایی‌های خود را بر دو پسرش خواجه عبدالرحیم و خواجه عبدالکریم و تنها دخترش، که نامی از وی به میان نیامده، وقف نماید. نکته جالب توجه اینجاست که موقوفات اولادی معمولاً شامل حال پسران خانواده بود، که به آن موقوفات غلامی گفته می‌شد. (سالک، ۱۳۷۲: ۴۵). ولی در این وقفنامه فاطمه النساء خانم رقباتی را نیز بر تنها دخترش وقف کرده است. علیرغم جستجوهای فراوان متأسفانه اطلاعاتی از نامبرده به دست نیامد ولی با توجه به میزان دارایی‌ها و املاک نامبرده می‌توان گفت که وی یکی از اعضای خاندان‌های برجسته سیرجان و از طبقه بالای اجتماعی بوده است. از متن وقفنامه چنین بر می‌آید که واقفه در زمان حیات خود دستی در کارهای خیر و رسیدگی به مستمندان داشته و با وقف دارایی‌های خود از فرزندان‌ش می‌خواهد که راه وی در زمینه خیرات و مبرات را ادامه دهند. «در قاطبة ایام حیات به وظایف خیرات مبرات ... نموده تصدقات و عطیات معظّم الیه به فقراء و مساکین می‌رسید خواست که سفره انعام او و خوان احسان او همیشه گسترده باشد منویات و مبرات او منقطع نگردد بل بر صفحه ایام به تکرّر شهور و اعوام متغیّر و متبدّل نگردد و اولاد او نیز بر طریقه او سالک باشند...»

مهم‌ترین مؤلفه‌های تاریخی این وقفنامه عبارتند از:

۱. قدمت: تاریخ این وقفنامه مربوط به دوره صفویه و زمان حکومت شاه سلطان حسین صفوی است.

۲. جغرافیای تاریخی: وجود اسامی اماکن جغرافیایی در این وقفنامه موجب می‌شود

تا جغرافیای تاریخی هر یک از رقبات وقفی بصورت جدی مورد توجه قرار گیرد و در طول تاریخ به تغییر و تحولات آن پی برد. در این وقفنامه از ۱۲ مکان جغرافیایی نام برده شده که در ابرکوه یا پاریز امروزی واقع در سیرجان کرمان قرار دارند.

۳. تأییدیه سواد در دوره قاجار: شواهد موجود حاکی از آن است که در سال ۱۳۱۷ ق، زمان حکومت مظفرالدین‌شاه قاجار، از سوی اخلاف فاطمه النساء خانم سوادى از روی اصل این وقفنامه برداشته شده و به مهر و دستخط ۲۶ تن از اهالی ابرکوه رسیده است.

## ۱. بررسی محتوایی وقفنامه

### انتخاب متولی

واقفه تولیت رقبات وقفی را در زمان حیات با خود و بعد از وفاتش بر هر یک از فرزندان بقدر سهم و حصه خود واگذار نموده است. «و بعد مماتها هر یک متولی املاک موقوفه حصه خود باشند» البته در این میان شرط اصلح و اعلم برای متولیان قرار داده و تصریح نموده که بعد از ظهور امام عصر علیه السلام تولیت بر آن امام و اولاد او قرار خواهد گرفت.

### تقسیم موقوفه بین اولاد

در این وقفنامه فاطمه النساء برای پسران سهمی کاملاً برابر از ۸ موقوفه و برای تنها دخترش سهمهایی متفاوت از ۵ موقوفه در سیرجان قرار داده است.

### تنوع رقبات وقفی

با توجه به تنوع رقبات وقفی همچون قنات، مزرعه، باغ و طاحونه می‌توان گفت این رقبات به نوعی قادر به تأمین بخش زیادی از نیازهای اولاد واقفه بوده‌اند.

### عدم انتخاب ناظر

مسئله انتخاب ناظر در موقوفات معمولاً در موقوفات عام صورت می‌گیرد. در موقوفات خاص متولی این اختیار را دارد که ناظری بر موقوفات خود انتخاب نکند. این امر شاید به دلیل ممانعت از دخالت خارج از موقوفه در اداره امور آن باشد. ولی یکی از مزایای مهم آن، با توجه به اشتراکی بودن تولیت موقوفات، رفع اختلافات احتمالی میان اولاد است. در وقفنامه مورد بحث نیز نامی از ناظر به میان نیامده است.



## مصارف وقف

واقفه در این وقفنامه ثلث عواید حاصل از موقوفات را به عنوان حق التولیه و دو ثلث دیگر آن را به فقراء و مساکین صالح هر محل از براکوه و غیر تخصیص داده است.

## انتفاع برندگان وقف

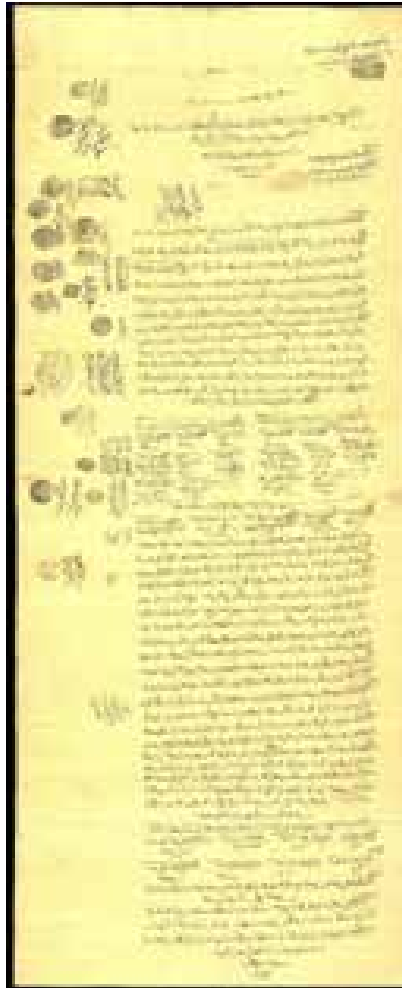
مسئله استفاده کنندگان در موقوفه‌های اولادی که با عنوان «موقوف علیهم» شناخته می‌شوند شکل‌دهنده نیت اصلی واقف در وقف است. بنا بر نص صریح واقفه رقبات وقفی متعلق به سه فرزندش و بعد از آن متعلق به فرزندان آنان اعم از ذکور و اناث است و در صورت انقراض کلی نسل، این رقبات بر اصلح و اعلم و اتقی ساکن براکوه سیرجان و فقراء و مساکین سادات و غیر سادات وقف است.

## شروط وقف

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های واقفان عدم تغییر و تحوّل در رقبات وقفی است. در این وقفنامه فاطمه النساء خانم صریحاً بیان کرده است که رقبات وقفی نباید به فروش برسند، بخشیده شوند، به رهن داده شده و یا معاوضه گردند و در صورت اجاره دادن نباید بیش از سه سال آن را به اجاره دهند و در ادامه تأکید کرده که به هیچ وجه رقبات را به حکام و دیوانیان اجاره ندهند. مورد اخیر می‌تواند حاکی از جوّ حاکم بر جامعه و نگرانی واقفه در غصب موقوفاتش توسط عمال حکومتی است.

## نتیجه‌گیری

موقوفات اولادی به عنوان یکی از وقفنامه‌های خاص می‌توانند نقش مهم و مؤثری در حفظ و تداوم یک خاندان داشته باشند. عمل به نیت واقف و به تبع آن عمران و آبادانی موقوفه موجب می‌شود تا از لحاظ اقتصادی این موقوفات مورد توجه قرار گیرند. مورد تأیید قرار گرفتن سوادى از این وقفنامه توسط شهود در دوره قاجار ضمن آن که بیانگر تداوم یک خاندان از طریق موقوفات اولادی است نشان دهنده حفظ املاک واقفه از اواخر دوره صفویه تا اواسط دوره قاجار است.





## متن وقفنامه

### بسم الله الرحمن الرحيم

/الحمد لله الذي لا ... الهادي الحقّ والحقيقت والصلوه والسلام ... على من نسخ بشريعه الغراء/ ساتر الشرايع النبيه و صفيه الوجهه محمدا المصطفى/ الذاعى الى الحقّ و الهادى بطريقه و على اله/ و اصحابه حزب الله و فريقه/ و بعد بر ذوى العقول محقق و مبين است كه احسن حسنات خيرات جاريات است چنان كه حديث مصطفويه/ -صلى الله عليه و اله- به آن ناطق است كه «اذا مات ابن آدم انقطع عمله الا من ثلاث صدقه جاريه و علم/ ينتفع به و ولد صالح»<sup>۱</sup> يدعوا له بناء عليه سعادت و توفيق الهى شامل حال و كافل اعمال صالحه/ عابده زاهده رضيه عفيفه سيرت ... تقية نجيبه ذات الفضائل و الاخلاق الحميده و ذات/ الشمائل و الاوصاف الشريفه بنت مرحمت و مغفرت پناه فردوس آرامگاه خواجه عبدالرحيم براكوه<sup>۲</sup> / سيرجاني و هى المسمات به فاطمه النساء بود و در قاطبة ايام حيات به وظيف<sup>۳</sup> خيرات مبرات مباردت/ نموده تصدقات و عطيات معظم اليه به فقراء و مساكين مى رسيد خواست كه سفره انعام او و خوان/ احسان او هميشه گسترده باشد منويات و مبرات او منقطع نگردد بل بر صفحه ايام به تكزر/ شهو و اعوام متغير و متبدل نگردد و اولاد او نيز بر طريقه ... او سالك باشند/ وقف مؤبد و حبس مخلد نمود قربتاً الى الله و طلباً لمرضاته فى «يوم لا ينفع مال/ و لابنون الا من اتى الله بقلب سليم»<sup>۴</sup> آنچه حقّ صدق و ملك طلق او بود بى منازعه / منازعى و مشاركت مشاركى تصرف فيه تصرف الملاك فى صحيح الاملاك و آن همگى و تمامى/ املاكى است كه در تحت آن مفصل شده است بدین تفصيل [:]

۱. حديث نبوى: با مرگ انسان، رشته عملش قطع مى شود، مگر از سه چيز صدقه جارى (وماندگار)، دانشى كه مردم از آن بهره مند شوند، و فرزند نيكوكارى كه برايش دعا كند.  
 ۲. براكوه نام منطقه اى از توابع شهرستان سيرجان كه نام فعلى آن پاريز است.  
 ۳. اصل: وظيف  
 ۴. آيه ۸۸ سوره شعراء: روزى كه نه مال سود مى دهد و نه فرزندان؛ مگر آن كس كه با قلبى رسته از شرك به نزد خدا بيايد.



تفصیل	تفصیل
املاک موقوفه بر ابن اصغر و هو خواجه عبدالکریم ابن خواجه محمدهاشم	املاک موقوفه بر ابن اکبر و هو خواجه عبدالرحیم ابن خواجه محمدهاشم
رحیم آباد واقعه در پشت عزیزآباد واقعه در سیرجان کریم آباد واقعه در سیرجان نصف پشت نصف	رحیم آباد واقعه در پشت عزیزآباد واقعه در سیرجان کریم آباد واقعه در سیرجان نصف پشت نصف
رمجرد واقعه در سیرجان الله آباد واقعه در پشت سلطان آباد واقعه در مع باغ و طواحین بقدر سیرجان یک دانگ پشت دو دانگ و سه الحصه یک دانگ طسوج طسوج	رمجرد واقعه در سیرجان الله آباد واقعه در پشت سلطان آباد واقعه در مع باغ و طواحین بقدر سیرجان یک دانگ پشت دو دانگ و سه الحصه یک دانگ طسوج <sup>۱</sup> طسوج
جمال آباد واقعه در شاه آباد جلالی بیاض پشت دو دانگ و دو واقعه در سیرجان حبه یک دانگ	جمال آباد واقعه در شاه آباد جلالی بیاض پشت دو دانگ و دو واقعه در سیرجان حبه <sup>۲</sup> یک دانگ

## تفصیل

## املاک موقوفه بر بنت محمدهاشم براکوه سیرجانی

سهل آباد واقعه در سیرجان دو دانگ	رمجرد واقعه در سیرجان و طواحین بقدر الحصه یک دانگ و	شمس آباد واقعه در ... مع باغ و قنوات فرح آباد و... خواجه ..... بالتمام	کمانیه؟ علی آباد باباحاجی پنج دانگ و نیم	مسعودآباد واقعه در سیرجان نصف مع تمامی طوافی متعلقه به آن
----------------------------------	---	--	--	---

۱. طسوج: چهاریک دانگ که دو حبه باشد. (دیانت، ابوالحسن، فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، ج ۱، ص ۳۳).  
 ۲. حبه: از احاد اندازه‌گیری مساحت اراضی مزروعی که در مناطق مختلف مقدار آن متفاوت بود. در سمیرم سفلی برابر دو هکتار در انارک نائین ۴/۴۱۶۷ هکتار. در ده کنجدجان یک حبه مقدار زمینی است که براساس نیم ساعت آبیاری پایه‌گذاری شده است. (همان، ج ۱، ص ۱۷۸).



/ بر اولاد امجاد خود که منحصرند بر دو ابن و یک بنت به شرحی که در تحت اسم هر یک مرقوم گردیده/ که بر هر یک کدام ملک وقف است و بعد از هر یک از ایشان بر اولاد ایشان ذکوراً و اناثاً/ و بعد بر اولاد اولاد و هلم جرا و هر گاه یکی از اینها العیاذ بالله منقرض گردد به اولاد باقیین/ منتقل گردد للذکر مثل حظ الانثیین كما فرض الله و اگر العیاذ بالله جميعاً منقرض گردند/ وقف باشد بر اصلح و اعلم و اتقی ساکن براكوه سیرجان و فقراء و مساکین سادات و غیر/ سادات که متولی آن اصلح و اعلم بوده ثلث حاصل موقوفات را به عوض حق التولیه / برداشته دو ثلث حاصل موقوفات را بر فقراء و مساکین صالح هر محل از براكوه/ و غیر قسمت نمایند تا ظهور حضرت صاحب الزمان -صلوات الله علیه و علی اباءه-/ و بعد از ظهور الحضرت واقف بر آن حضرت است و اولاد آن وقفاً مؤبداً مخلداً صحیحاً شرعياً الی یوم القیامت و موقوفات مزبوره را به تصرف شرعی موقوف علیهم مذکورون داد/ و بعد از این نفروشنند و نبخشنند و مرهون نکنند و معاوضه نکنند کلاً او بعضاً/ و به اجاره زیاد از سه سال ندهند نه در یک عقد و نه عقود متفرقه و به حکام و دیوانیان/ به اجاره ندهند و به هیچوجه از وجوه تلف نکنند قائم باشد بر اصول خود/ محفوظ باشد بر شرایط خود، جاری باشد بر سبیل خود البیان یرث الله الارض / و من علیها و هو خیر الوارثین و متولی ... نمود فی ضمن العقد واقفه مزبوره خود را/ مادام الحیات و بعد مماتها هر یک متولی املاک موقوفه حصه خود باشند تغییر و تبدیل/ به قواعد این راه ندهند و از شروط مذکوره تجاوز نمایند <sup>۲</sup> «فمن بدلّه بعد/ ما سمعه فائمه علی الذین یبدلونه و علی المنحرف لعنت الله و الملائکه و الناس اجمعین»<sup>۳</sup> / و به جمیع ما ذکر فیه و شرح فی مطاوبه وقع الاشهاد كما هو المعهود و آل... و کان ذلک فی تاریخ یوم السبت رابع شهر شوال سنه ۱۱۲۱ احدی و عشرين و مائه بعد الالف

تفصیل \_\_\_\_\_ ل

طوافی متعلقه به هر یک از املاک موقوفه که طوافی نیز با ما یتعلق بها وقف شده به نهج مسطور فوق

دولت آباد متعلق به کریم آباد تماماً	عمادآباد؟ متعلق به کریم آباد تماماً	... متعلق به کریم آباد تماماً	سلیمان آباد متعلق به رحیم آباد پشت چهار دانگ
--	--	----------------------------------	--

۱. اصل: موقوفون

۲. اصل: نه نمایند

۳. آیه ۱۸۸ سوره بقره: پس هر کس وصیت شخصی را بعد از آنکه شنید تغییر دهد گناهش به گردن همان کسی است که تغییر داده و لعنت خدا و ملائکه و مردم بر او باد.

فیروزآباد متعلق به عزیزآباد ایضاً تماماً	فیض آباد متعلق به عزیزآباد تماماً	نعمت آباد متعلق به عزیزآباد نصف	نصرت آباد متعلق به ... آباد جلالی نصف
--	--------------------------------------	---------------------------------------	---

/ طوافی مذکوره نیز نصف متعلق به خواجه عبدالرحیم و نصف متعلق به خواجه کریم الدین است. تحریراً فی تاریخ الفوق/ به نحوی که در این نمیکه<sup>۱</sup> مرقوم شده وقف صحیحی شرعی نمودم لعن الله من تخلف عنه/ و ایضاً اگر سوای طوافی مرقومه متعلقه و قراء المذکوره کافیه بوده باشد / که متعلق به یکی از این قرائ مذکوره نبوده باشد ورثه مزبور به بقدر الحصة/ شریک در آن‌ها باشند و وقف است / بر نهج مسطور.

[سجلات:]

۱. بین ذا و اصله بجمیع ما رقم فیه طباق و وفاق و حرّز ذلک فی ۲۰ شهر صفرالمظفر

۱۳۱۷. [مهر مربع] یا من هو فی ... علی

۲. قد وضح و صح الوقف المذکور و جریان الصیغه الشرعیه و ... الشرعی و ما رقم فیه

طراً من اوله الی آخرت لدی و کتب

۳. بسم الله الرحمن الرحیم وضح و صح مضمون ما فی الكتاب من البدو الی الماب

لدی و کتب ... یا آدم صفی الله

۴. سواد مطابق اصل است فی ۲۴ شهر صفرالمظفر سنه ۱۳۱۷. [مهر بیضی] هدایت الله

الحسینی

۵. بین ذا و اصله طباق و وفاق فی بیست و یکم شهر صفر المظفر سنه ۱۳۱۷. [مهر

بیضی] صح محمدعلی

۶. طابقه مع الاصل فتطابقاً و توافقاً. [مهر مربع] عبده الزاجی محمدتقی شیرازی

۷. سواد مطابق اصل است. [مهر بیضی] عبده الزاجی ابو... الحسینی

۸. بین ذا و اصله طباق و وفاق [مهر بیضی] المتوکل علی الله عبده رضا

۹. سواد مطابق اصل است [مهر بیضی] الزاجی محمدعلی

۱۰. سواد مطابق اصل است [مهر بیضی] جواد بن مهدی الموسوی

۱۱. بین ذا و اصله طباق و وفاق فی ۲۰ شهر صفرالمظفر سنه ۱۳۱۷ [مهر مربع] عبده

۱. نمیکه: نوشته (فرهنگ معین)



محمدحسین

۱۲. سواد مطابق اصل است [مہر بیضی] حبیب اللہ ابن مہدی الموسوی
۱۳. سواد مطابق اصل است [مہر بیضی] سلیمان ابن ابراہیم الموسوی
۱۴. سواد مطابق اصل است [مہر مربع] العبد المذنب احمد
۱۵. سواد مطابق اصل است [مہر بیضی] رضاقلی ۱۳۱۶
۱۶. قد وضح و صح الوقف المزبور ... نسب فيه من اوله الى اخره لَدَى و كتب العبد الاقل ابن محمدعلی محمدزکی [سجع مہر] پیرو دین نبی زکی
۱۷. سواد مطابق اصل است ... الاقل نصرالله ابن ... پاریزی فی غزہ ربیع الاول ۱۳۱۷ [مہر بیضی] ناخوانا
۱۸. سواد مطابق اصل است ابن مرحوم حاجی ملاحسن پاریزی [مہر بیضی] ... شریف
۱۹. به مضمون مسطور ... فقیر حقیر ابن حاجی عبدالعزیز محمدسعید ...
۲۰. سواد مطابق اصل است اقل عبدالله ابن مرحوم حاجی عبدالرحمن ... [مہر بیضی] عبدالله
۲۱. سواد مطابق اصل است الاقل محمدبن الحاج عبدالرحمن ... [مہر بیضی] محمدبن عبدالرحمن
۲۲. سواد مطابق اصل است اقل محمد عبدالله ... [مہر بیضی] الراجی محمد ابن عبدالله
۲۳. به مضمون مسطورہ ... سمعه ان ربک رحیم علیم

## کتاب‌نامه

- دیانت، ابوالحسن (۱۳۶۷). *فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها*، تبریز: نیما.
- زبرجدی، علیرضا؛ طهماسبی، ساسان؛ حسن آبادی، ابوالفضل (۱۴۰۲). «تأملی بر اختلاف در تفسیر شروط انتخاب متولیان در موقوفات اولادی (نمونه موردی: موقوفه اولادی قلعه صدری قم)»، *پژوهش‌نامه مطالعات وقف و امور خیریه*، دوره ۱، شماره ۲.
- سالک، محمدتقی (۱۳۷۲). «سخنی درباره وقف و نگاهی به موقوفه غلامی»، *فصل‌نامه وقف میراث جاویدان*، سال اول، شماره دوم.